

واژگان تخصصی راه آهن و حمل و نقل

در دو بخش: الف - تخصصی ریلی، ب - حمل و نقل

« برگرفته از فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی - ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵ »

تدوین: گروه واژه‌گزینی

اعضای کمیته حمل و نقل ریلی: آقایان مهندس محمدحسن اسماعیلی (معاونت فنی رجاء)، علی اصغر حسین زاده خجسته، مهندس محمود خبازنیا، حمید دماوندی، دکتر جبار علی ذاکری، رضاقلی رستمی، دکتر محمدعلی رضوانی، دکتر محمدعلی صندیدزاده، یدالله طاهباز، مرتضی فراهانچی، دکتر حسین قهرمانی، مهندس علی کیانزاد، دکتر سعیده محمدزاده، سعید نبوی، حسن همدانی.

گردآوری: فرهاد ثمری، گروه پژوهش و اطلاع‌رسانی فنی

ویراستاری متن تایپ شده بخش تخصصی ریلی: دکتر علی اسدی لاری،

تأیید: مهندس رویا السادات آشفته - گروه پژوهش و اطلاع‌رسانی فنی

الف - لغات تخصصی ریلی (حمل و نقل)

فارسی	توضیحات	لاتین
الف		
آژیره	دکمه‌ای که لکوموتوران باید در فواصل زمانی معینی، مثلاً عبور از کنار علامت هشدار، فشار دهد، در غیر این صورت، ترمز خود به خود به کار می‌افتد.	Vigilance device
آشیانه	محلی برای نظافت و تعمیرات جاری و نگهداری لکوموتیو در وضعیتی آماده برای بهره‌برداری	Engine shed, locomotive shed, locomotive hangar
آمادگاه	کارگاه تعمیر و توقف لکوموتیو و نگهداری تجهیزات و انباشت پارسنگ	Depot
اتاقک (هوایی)	اتاقکی که از مصالح سبک ساخته شده باشد. هر یک از اتاقهای داخل کشتی و جایگاه مخصوص خلبان در هواپیما	Cabin
ایستگاه اصلی	ایستگاهی در سامانه حمل و نقل با واحدهای سریع‌السیر که تمامی واحدهای حمل و نقل در آن توقف می‌کنند	All-stop Station
ایستگاه برخط	ایستگاهی که در آن واحدهای حمل و نقل (خودرو یا قطار) در خط عبور اصلی توقف می‌کنند	Online-station
ایستگاه برون خط	ایستگاهی خارج از خط عبور که در آن وسایل حمل و نقل مسافران را سوار و پیاده می‌کنند، بی‌آنکه مانع سایر وسایل نقلیه شوند.	Off-line station
ایستگاه پایانی	هر یک از ایستگاه‌های دو سر یک خط حمل و نقل	Terminal stop

Interchange Station, transfer, interchange	ایستگاهی که در آن مسافر از قطار یک خط پیاده می شود و با سوار شدن به قطار خط دیگر ادامه سیر می دهد.	ایستگاه تغییر خط
Junction station	ایستگاهی که بیش از دو مسیر را به هم پیوند دهد.	ایستگاه تقسیم
Multi-level station	ایستگاهی با چند طبقه خطوط متقاطع	ایستگاه چند طبقه
Intermodal station, Multimodal station	ایستگاهی متشکل از پایانه های مختلف آبی و جاده ای و ریلی و هوایی	ایستگاه چند گانه
Midblock stop	ایستگاه حمل و نقلی که دور از تقاطع قرار دارد	ایستگاه میانی
Degage	محدوده امنی برای توقف قطار و جلوگیری از برخورد آن با قطارهای در حال حرکت	ایمن گاه

Pallet	سازه مسطح و کوچک چوبی که زیر بار قرار دهند تا بتوان آن را با افزایه بلند کرد.	بار کف
Overhaul	تعمیر و آماده سازی هر وسیله با پیاده کردن قطعات اصلی و فرعی؛ این عمل شامل بازدید و قطعه گذاری و تراشکاری و تعمیر موتور است و به سوار کردن و بستن قطعات و بازدید نهایی ختم می شود.	باز آماد
Wagon Weighbridge, Freight Car Scale, Track Scale	وسيله ای در نقاطی مشخص از طول خط یا بین دو واگن، برای توزین واگن ها	باسکول خط
Wagon Lift, Wagon Elevator	دستگاهی برای بالا بردن واگن از روی خط	بالابر واگن
Credit Ticket	بلیتی که برای استفاده در مدت زمان خاصی (مثلاً یک هفته یا یک ماه یا یک سال) معتبر باشد، این بلیت ممکن است رمزدار باشد.	بلیت اعتباری
Reduced Fare Ticket	بلیتی که برای گروه های خاص (مانند دانشجویان و مأموران انتظامی و جانبازان) در نظر گرفته شده باشد و با مبلغی کمتر از قیمت اصلی به این افراد فروخته شود.	بلیت تخفیف دار
One Journey Ticket	بلیتی که برای یک بار مسافرت در مسیر مشخصی استفاده شود و پس از رسیدن به مقصد دیگر قابل استفاده نباشد.	بلیت تک سفره
Full Fare Ticket	بلیتی که مسافر با خرید آن، تمام مبلغ بلیت یا مبلغ مندرج در جدول کرایه را بپردازد.	بلیت تمام بها
Full day Ticket	بلیت معتبر برای یک روز کامل (مسافرتهاى متعدد در یک تاریخ معین)	بلیت تمام روز
Thorough Ticket	بلیت یک سره برای تمام مسیر که مسافر بدون تعویض قطار بتواند با آن مسافرت کند (معمولاً از اول تا آخر یک خط).	بلیت تمام مسیر
Ticket Decoding Reading Equipment, Ticket Decoding Equipment	دستگاهی برای واری و کسر کردن اعتبار بلیت و معین کردن اعتبار باقی مانده در بلیتهای مغناطیسی یا مدت دار	بلیت خوان
Ticket Validation	ابطال و سوراخ کردن بلیت. زدن مهر تاریخ اعتبار بر روی بلیتهای فروخته شده	بلیت خوانی
Round Trip Ticket, Return Ticket	بلیتی که برای رفت و برگشت در مسیری یکجا خریداری شود.	بلیت دوسره
Free Ticket	بلیتی که به رایگان در اختیار بعضی از افراد و اقشار جامعه قرار گیرد.	بلیت رایگان
Full Way Ticket	بلیتی که با ارائه آن و وارد شدن به یک ایستگاه بتوان در مسیرهای مختلف و با تعویض خط، در هر مسیری مسافرت کرد؛ با خروج مسافر از یک ایستگاه، بلیت اعتبار خود را از دست می دهد.	بلیت سراسری
Automatic Fare Collection	سامانه خودکار فروش و کنترل بلیت در مترو و راه آهن شهری	بلیت فروشی خودکار

Monthly Ticket	بلیتی از نوع بلیت اعتباری که از تاریخ مشخصی به مدت یک ماه معتبر باشد.	بلیت ماهانه
Season Ticket	بلیتی که از تاریخ خرید تا مدت زمان خاصی مثلاً یک هفته یا یک ماه بتوان برای سفرهای مکرر از آن استفاده کرد.	بلیت مدت دار
Magnetic Ticket	بلیتی غالباً اعتباری، با پوشش مغناطیسی، که واریسی آن به وسیله دستگاه صورت گیرد.	بلیت مغناطیسی
Open Ticket	بلیت بدون تاریخ اعتبار معین و بدون محدودیت تاریخ استفاده	بلیت ویژه
Weekly Ticket	نوعی بلیت اعتباری که از تاریخ صدور به مدت یک هفته اعتبار داشته باشد.	بلیت هفتگی
Bogie, Truck	مجموعه ای شامل چهار یا شش چرخ که به صورت جفت در زیر وسایل نقلیه ریلی طولیل نصب می شود و از طریق لولایی مرکزی حرکت و انعطاف وسیله نقلیه را در پیچ ها تسهیل می کند.	بوژی
Self Steering Bogie	نوعی بوژی که از اتصال انعطاف پذیر مجموعه چرخ - محورها با قاب بوژی تشکیل می شود و جهت محورها را با شعاع انحنای پیچ هماهنگ می کند.	بوژی خودفرمان
Three Piece Bogie	نوعی بوژی متشکل از دو قاب کناری و یک تیر عرضی معلق	بوژی سه تکه
Buffet Car	واگنی در قطار برای فروش غذاهای سبک و نوشیدنی	بوفه قطار

الف

Rail Fastener, Fastener, Rail Clip	ابزاری فنری برای محکم کردن پایه ریل روی زینچه یا ریل بند	پابند
Ballast	قطعات شکسته شده سنگ برای تثبیت و تعادل ریلها روی بستر راه آهن ریخته شود.	پارسنگ
Monitoring	نظارت بر محیط یا صحنه یا دستگاه از طریق نمایشگر	پایش
Rail Foot, Rail Base	قسمت پایین ریل که در حالت افقی قرار دارد و تکیه گاه ریل است.	پایه ریل
Duty Pass	برگه عبور رایگان کارکنان مترو یا راه آهن در ساعات کار	پروانه عبور
Free Pass	برگه ای که با آن ماموران موظف می توانند در محوطه مترو و راه آهن عبور و مرور نمایند یا به رایگان با وسایل نقلیه ریلی، همراه با خانواده، مسافرت کنند.	پروانه ویژه
Buttress	عضوی از سازه که برای تامین یا افزایش پایداری جانبی دیوار یا سد به کار رود.	پشت بند (مهندسی)
Buttressed	دارای پشت بند	پشت بنددار
Gallery	دالان یا فضای سرپوشیده در مجاورت کوه برای جلوگیری از ریزش بهمن در بستر راه آهن	پناهراه
Side-Tipping Wagon	واگنی که می تواند برای تخلیه بار بچرخد و در آن سمت محل تخلیه باز شود.	پهلوگرد
People Mover	وسیله ای در پایانه ها که مانند یک پیاده روی متحرک مسافران را در مسیر ثابت جابه جا می کند.	پیاده بر

ب

Hump	تپه کوچکی که از شیب آن برای آرایش قطار و اعزام آنها به مسیرهای مختلف استفاده می شود.	تپه تقسیم
"Z" bed	نوعی تخت تاشو و متحرک که قابل تبدیل شدن به میز است.	تخت میز شو، میز شو
crossing, crossover	محل تلاقی دو مسیر راه آهن یا جاده یا راه آهن که تغییر مسیر در آن امکان پذیر نباشد.	تقاطع
diamond crossing, track crossing	محل تلاقی دو خط آهن که در آن عبور همزمان قطارها در هر دو مسیر امکان پذیر باشد.	تقاطع چلیپا، چلیپا
double crossover, diamond crossover, scissors crossover, universal crossover	اتصال دو خط آهن موازی از طریق دو خط رابط مورب	تقاطع دو گانه
grade separated crossing	محل تلاقی جاده با راه آهن که در دو سطح قرار داشته باشد.	تقاطع ناهم سطح
interchange	تقاطعی که امکان عبور وسایل نقلیه را با استفاده از اختلاف سطح، به صورت زیر گذر یا رو گذر، فراهم کند.	تقاطع ناهم سطح
level crossing, grade crossing, highway-rail grade crossing	محل تلاقی مسیر راه آهن با جاده هم تراز آن	تقاطع هم سطح
contact patch	بخش مشترک بین غلتش گاه ریل و غلتش گاه چرخ	تماسگاه
manoeuvre	کلیه عملیات تنظیم قطار، شامل جداسازی واگنها و لکوموتیوها از قطار برای واگذاری به کارگاهها و اتصال آنها به قطار و جابه جایی قطار در خطوط	تنظیم
marshalling yard, shunting yard	محلی در ایستگاه که در آن قطار و بار پذیرفته و رده بندی می شوند و قطارهای جدید تشکیل و به مقصد مورد نظر اعزام می شوند.	تنظیم گاه
shunter	مامور آرایش و تنظیم قطارها	تنظیم گر
luggage, baggage	باری که مسافر با خود به داخل هواپیما نمی برد.	توشه (هوابی)
van	واگنی که به قطار مسافری وصل شود و توشه مسافر را حمل کند.	توشه بر
switch rail, tonque rail, blade rail	ریلی که با مقطع متغیر که در ابتدای سوزن قرار می گیرد و امکان تغییر مسیر حرکت قطار را فراهم می کند.	تیغه سوزن
		
rail web	بخش عمودی ریل که بین کلاهدک و پایه ریل قرار دارد.	جان ریل
locomotive crane	نوعی جرثقیل با دیرک بلند که برای جابه جایی بارهای سنگین استفاده می شود و روی ریل حرکت می کند.	جرثقیل ریلی
		
inspection pit	محل بازدید وسیله نقلیه ریلی	چال بازدید
examination-pit	چاله ای برای بازرسی و تعمیر قسمتهای زیرین لکوموتیو	چاله بازدید

drop-pit	چاله‌ای عمود بر خط که در آن می‌توان یکی از چرخهای قطار را پایین آورد و بازرسی و تعمیر یا تعویض کرد.	چاله چرخ
trolley	وسیله‌ای چرخ‌دار برای حمل انواع وسایل و خوارکیها در رستوران	چرخ (گردشگری)
wheelset	مجموعه‌ای از یک محور و دو چرخ که به صورت ثابت به هم متصل شده‌اند و چرخها فاصله‌ای متناسب با عرض خط دارند و به صورت یکپارچه دوران می‌کنند.	چرخ-محور
trailing wheelset	چرخ-محوری که معمولاً بعد از چرخ-محور پیشرو قرار می‌گیرد و نیروی محرکه به آن وارد نمی‌شود.	چرخ-محور پیرو
flat wheel	چرخ‌ی که بر اثر قفل شدن به هنگام ترمز کردن و کشیده شدن روی ریل، بخشی از رویه آن ساییده باشد.	چرخ یخ
wheelchair	صندلی چرخداری که از آن برای کمک به حرکت و جابه‌جایی بیماران و معلولان استفاده شود.	چرخک (عمومی)
traffic density	تراکم وسایل نقلیه در هر کیلومتر معبر در لحظه معین	چگالی تردد
ح		
right-of-way	نواری از زمین و ملک واقع در کنار مسیر که برای مقاصد حمل و نقل تملیک می‌شود.	حریم راه (شهری)
interline transportation	جابه‌جایی مسافر بین یک یا چند خط اتوبوس یا راه‌آهن در حمل و نقل عمومی	حمل و نقل میان خطی
خ		
rail failure, rail defect	وضعیتی در ریل که ممکن است باعث شکستگی یا ایجاد حفره در ریل شود و استفاده از ریل را غیرممکن سازد.	خرابی ریل
line	مسیری که قطار از ابتدا تا انتها طی کند.	خط
ballast regulator	ماشین برای صاف و یکنواخت کردن لایه پارسنگ	خط آرا، ماشین خط آرا
track	مجموعه‌ای ثابت که بستر حرکت وسایل نقلیه ریلی است و بارهای وارده را تحمل می‌کند.	خط آهن
continuous welded track	خط آهنی که درزهای آن با جوشکاری پر شده باشد.	خط پربند
trap siding	خط کوری که در امتداد یکی از خطوط فرعی ایستگاه قرار می‌گیرد تا امکان جایگیری قطار در کل آن خط فراهم شود.	خط تأمین
draisine	وسیله‌ای ریلی برای جابه‌جایی ماموران بازرسی و انجام تعمیرات در خطوط راه‌آهن	خط رو
siding, branch line	خطی کمکی برای خط اصلی که امکان سبقت قطارها و تلاقی خطوط را فراهم می‌کند.	خط کناری

dead-end siding, dead-end track	خطی در ایستگاه راه آهن که از خط اصلی جدا شده و در پایان آن سپر انتهایی نصب شده است.	خط کور
reversing triangle	خط تغییر جهت ۱۸۰ درجه ای قطار	خط مثلث
rolling stock	هر نوع وسیله نقلیه ریلی	خط نورد
trainset	قطاری که بعضی یا تمام واگنهای آن دارای نیروی رانش باشد و برای حرکت نیازمند لکوموتیو نباشد.	خودکشند
electric multiple unit, EMU	وسیله نقلیه حمل مسافر که با نیروی محرکه الکتریکی روی خط آهن حرکت می کند.	خودکشند برقی
diesel multiple unit, DMU	وسیله نقلیه حمل مسافر که با نیروی محرک دیزلی روی خط آهن حرکت می کند.	خودکشند دیزلی
portion, serving	مقدار غذا برای یک نفر در یک وعده	خوراک (گردشگری)

۵

slab track	نوعی خط آهن که ریل های آن روی یک دال بتونی قرار می گیرد.	دال خط
corridor	گستره ای بین دو پایانه که در آن مسائل حمل و نقل، مشخصه های هندسی، مسائل زیست محیطی و سایر مشخصات در نظر گرفته شده باشد.	دالان (شهری)
charter	ویژگی وسیله نقلیه ای که یکجا از طرف شخص یا شرکت یا موسسه ای کرایه شود.	دربست (حمل و نقل)
stock rail joint	درز ریلی که بین سوزن و خط آهن قرار دارد.	درز ریل سوزن
faregate	سامانه ای که با کنترل اعتبار بلیت به مسافران اجازه ورود و خروج می دهد.	دروازه بلیت خوانی، بلیت خوانی
ticket vending machine giving change	دستگاه خودکار فروش بلیت که بقیه پول پرداختی را نیز پس دهد.	دستگاه بلیت فروشی
accessibility	میزان سهولت سفر بین مبادی و مقاصد مختلف برای تمام مردم	دسترس پذیری (حمل و نقل شهری)
double heading, double engine	قطاری که نیروی کشش آن را دو لکوموتیو هم جهت، که در ابتدای آن قرار دارند تامین می کنند.	دو کشی
sighting distance	حداکثر فاصله ای که راننده وسیله نقلیه ریلی می تواند علائم راهنمایی را به وضوح ببیند.	دیدرس
demurrage	خسارت تاخیر در تخلیه واگنها که از طرف راه آهن مقصد به راه آهن مبدا پرداخت می شود.	دیرانه

۶

reservation	نگهداری جا براساس درخواست مسافر	ذخیره جا (هوایی)
-------------	---------------------------------	------------------

۷

general track foreman	فردی که تمام مباشران خط در یک ناحیه زیر نظر او فعالیت می کنند.	رئیس خط ناحیه
section foreman, section boss	سرپرست خط آهن در یک قطعه یا محدوده شخصی	رئیس قطعه
link	پیوندی بین دو نقطه متوالی (تقاطع) در یک شبکه ارتباطی	رابط (حمل و نقل شهری)
barrier	ابزاری متحرک برای بستن موقت مسیر، در تقاطع سواره‌رو و راه‌آهن	راه‌بند
access corridor	راهرو یا دالانی که مسافر طی می کند تا به سکوی سوار شدن به قطار برسد.	راهرو
ramp	راه کوتاهی که دو شاخه مجاور یک تقاطع را به هم وصل می کند.	راه‌گرد (مشترک حمل و نقل)
rame	مجموعه چند واگن و لکوموتیو به هم بسته؛ واحد شمارش قطار	رده
restaurant car	واگنی در قطار که به صورت رستوران از آن استفاده شود.	رستوران قطار، غذاخوری قطار
rail	فولاد نورد شده‌ای که به شکل معین و به صورت دو رشته موازی روی ریل بندها نصب شود.	ریل
standard rail	ریلی که طول هر شاخه آن معادل یکی از استانداردهای پذیرفته شده جهانی باشد.	ریل استاندارد
wing rail, binder rail	قطعه ریل کوتاهی با انتهای زوایه‌دار که در تکه مرکزی سوزن برای هدایت چرخ نصب می شود.	ریل بالی
rail saw	ابزاری برای بریدن ریل به صورت قائم	ریل بر
stationary rail saw	ریل بری که در یک کارگاه ثابت، که ریلها در آنجا برش داده می شوند مستقر است.	ریل بر ثابت
portable rail saw	ریل بری که میتوان آنها را به سهولت به محل مورد نیاز انتقال داد.	ریل بر دستی
make up rail, shortened rail	ریلی که طول مشخصی از انتهای آن بریده شده است و در سمت داخلی قوس‌های تند کار گذاشته می شود.	ریل بریده
couplage	مجموعه‌ای از دو ریل بند و پابندها که به هم متصل و برای نصب روی بستر خط آماده شده باشد.	ریل بست
long rail	نوعی ریل که طول آن بیش از طول ریل استاندارد است و در خطوط سریع‌السیر به کار می رود.	ریل بلند
traverse	تکیه‌گاه چوبی یا فولادی یا بتونی که ریلها روی آن بسته می شود.	ریل بند
stock rail	ریل ممتد و مستقیم سوزن که تیغه سوزن در دو حالت متفاوت با آن جفت می شود یا از آن فاصله می گیرد.	ریل پهلویی
running rail	دو ریل خط آهن که با قرار گرفتن چرخهای قطار روی آنها امکان حرکت قطار فراهم می شود.	ریل حرکت

rail bender	ابزاری برای ایجاد شعاع مناسب در ریل به منظور نصب آن در قوس مسیر	ریل خم کن
rail-grinding machine, rail grinding train	دستگاهی که با سایش ناهمواری های سطحی تاج ریل، رویه آن را صیقل می دهد.	ریل ساب، ماشین ریل ساب،
light rail	ریلی که وزن واحد طول آن از وزن واحد طول ریل خطوط باری کمتر باشد.	ریل سبک
heavy rail	ریلی که وزن یک متر از آن بیش از ۵۰ کیلوگرم باشد.	ریل سنگین
rail punch, rail drill	ابزاری مکانیکی که با حرکت تفنگی، در جان ریل سوراخ ایجاد می کند.	ریل سوراخ کن
third rail, contact rail, current collector rail, conductor rail	ریلی اضافی به موازات ریل های اصلی برای تامین نیروی برق قطارهای برقی	ریل سوم
grooved rail, girder rail	ریلی با کلاهک شیاردار که طوقه چرخهای خط نورد در آن قرار گیرد.	ریل قاشقی
rail stretcher, rail pulling device	ابزاری جک مانند که با آن فاصله دو سر ریل در محل درز تنظیم می شود.	ریل کش
short rail	ریلی که طول آن از ریل استاندارد کمتر باشد.	ریل کوتاه
rail heater	ابزاری دستی یا ماشینی که در طول خطوط بی درز حرکت می کند و با ایجاد شعله آتش باعث افزایش درجه حرارت آن می شود.	ریل گرم کن
continuous welded rail, CWR, long welded rail, welded rail, ribbon rail	ریلی که از جوش دادن چند قطعه ریل استاندارد یا ریل کوتاه به دست می آید.	ریل ممتد
guide rail, closure rail, lead rail	قطعه ریلی که بین پاشنه سوزن و تکه مرکزی قرار می گیرد.	ریل هادی

ذ

peak hours	ساعاتی که در آنها میزان رفت و آمد وسایل نقلیه به حداکثر برسد.	زمان اوج (حمل و نقل)
underpass	قسمتی از راه که از زیر راه دیگر یا پل راه آهن بگذرد. معبری برای عبور عابر پیاده از زیر راه اصلی	زیرگذر (شهری)
slide chair	زینچه ای برای اتصال تیغه سوزن به ریل بند	زینچه لغزنده
Rail chair, chair	صفحه فولادی شکل داده شده که بین ریل و ریل بند قرار می گیرد.	زینچه

س

ticket booking hall, ticket hall	تالار ویژه فروش انواع بلیت	سرسرای فروش بلیت
running speed	سرعت میانگینی که از تقسیم مسافت طی شده بر مدت زمان حرکت به دست می آید.	سرعت سیر (شهری)
express	وسیله نقلیه دارای حرکت سریع بدون توقف یا با توقف کم	سریع السیر (حمل و نقل)
contact patch	بخشی از سطح ریل سوم که اتصال الکتریکی را برقرار می کند.	سطح تماس
crashworthiness	قابلیت هواگرد در تحمل سقوط به نحوی که سرنشینان دچار جراحات شدید نشوند و قادر به گریز از هواگرد باشند.	سقوط تابی (هوایی)

Loading platform, goods platform	سکویی در ایستگاه راه آهن برای بارگیری و تخلیه بار	سکوی بارگیری
punch	عمل سوراخ و باطل کردن بلیت	سوراخ کردن
switch, point	دستگاهی برای تغییر مسیر قطار در شبکه خطوط راه آهن	سوزن
Catenary	کابل یا شاخه ای در بالای وسیله نقلیه ریلی برای تأمین نیروی برق آن	سیم بالاسر
turntable	صفحه ای برای تغییر جهت لکوموتیو یا انتقال آن به خطوط مختلف	سینی دوار
ش		
riding index traffic	ملاک میزان رفاه مسافری که با توجه به ارتعاشات نور و سروصدا و تهریه واگن های مسافری تعیین می شود.	شاخص رفاه
pantograph	وسیله انتقال برق (نیرو) از سیم بالاسر به وسایل کشنده واگن یا لکوموتیو	شاخک برق رسان، برق رسان
traffic	تردد وسایل نقلیه ای که همزمان در حال رفت و آمد باشند.	شد آمد (حمل و نقل)
ramp	سراسیمبی ورودی عمومی، برای جانبازان و افرادی که نمی توانند از پلکان استفاده کنند.	شیب راهه (مشترک)
loading ramp, slop of platform	شیب راهه ای برای بارگیری و تخلیه هر نوع وسیله سنگین چرخدار از واگن های قطار	شیب راهه بارگیری
grader	یکی از دستگاههای راه سازی که با تیغه بین چرخهای عقب و جلو مصالح را پخش و راه را تسطیح و شیب بندی کند.	شیب ساز (شهری)
ض		
tampon	وسیله ای در دو سر واگن یا لکوموتیو که با مستهلک کردن انرژی ضربه ای قطار، در هنگام حرکت یا عملیات تنظیم از صدمه دیدن واگنها و لکوموتیوها جلوگیری کند.	ضربه گیر
ظ		
fleet capacity	حداکثر گنجایش ناوگان هر سامانه حمل و نقل برای جابه جایی مسافر	ظرفیت ناوگان (حمل و نقل شهری)
ع		
signalling	مجموعه اعمالی که برای تأمین ایمنی وسایل نقلیه انجام شود.	علامت دهی (حمل و نقل شهری)
trunround time	مدت زمانی که وسیله نقلیه ریلی بدون نیاز به بازدید می تواند کار کند.	عمر بازدید
service life	مدت زمانی که در آن استفاده و بهره برداری از وسیله نقلیه ریلی مقرون به صرفه باشد.	عمر مفید
rail flaw	هر نوع اشکال یا نقص در سطح یا داخل ریل	عیب ریل

ع

galley	محل مشخصی در داخل هواپیما برای نگهداری و ارائه مواد غذایی و انواع نوشیدنی	غذا خانه (هوایی)
restaurant car	واگنی در قطار که به صورت رستوران از آن استفاده شود.	رستوران قطار، غذاخوری قطار
wheel tread	بخشی از سطح چرخهای وسایل خط نورد که با غلتش گاه (ریل) در تماس است.	غلتش گاه چرخ
rail tread	سطح فوقانی تاج ریل که در آنجا ریل با چرخ تماس می یابد.	غلتش گاه ریل، غلتش گاه

ف

headway	متوسط فاصله زمانی عبور دو خودرو متوالی از یک نقطه در هر خط عبور	فاصله گذر (شهری)
wheel base	فاصله بین محور جلو و عقب یک وسیله نقلیه	فاصله محوری
freight	باربری، فرستادن بار غیر همراه مسافر با کشتی یا قطار یا هواپیما	فرست، فرست کردن (حمل و نقل)

ق

container train	قطاری متشکل از واگنهای باری با قابلیت حمل بار گنج	قطار بار گنجی
monorail train, monorail	قطاری که روی یک ریل حرکت می کند .	قطار تک ریل
observation railcar	خودروی ریلی مسافری با پنجره های بزرگ برای آنکه مسافران بتوانند مناظر اطراف را به خوبی ببینند.	قطار تماشا
turbotrain	قطاری با نیروی محرکه توربینی	قطار توربینی، توربینی
tramway	خودرویی که روی ریل فلزی در سطح خیابان حرکت کند و مسافران شهری را جابه جا نماید .	قطار خیابانی
ram reversible	قطاری که بدون تغییر جهت بتواند رفت و برگشت کند .	قطار دوسر
light rail transit, LRT	نوعی قطار برقی، دارای یک یا چند واگن، که در شهر یا حومه برای حمل مسافر در سطح خیابان یا حریم خاص به کار می رود.	قطار سبک شهری، قطار سبک
ultra-low-floor tram	نوعی قطار شهری که برای تسهیل سوار و پیاده شدن با صندلی چرخدار یا کالسکه کف آن از حد معمول پایین تر و حدود ۱۸ سانتی متر بالاتر از سطح ریل است.	قطار فرو کف
funicular railway	نوعی قطار مخصوص مسیرهای کوتاه با شیب تند که نیروی کشش آن با موتور ثابت و به کمک بافه و ایجاد موازنه بین قطارهای رفت و برگشت یا وزنه تعادل تامین می شود .	قطار کابلی، قطار بافه ای
maglev train	قطاری که با استفاده از انرژی برق و رانش مغناطیس حرکت می کند و هیچگونه تماس و اصطکاک با ریل ندارد.	قطار مغناطیسی

gabarit	دروازه ای با عرض و ارتفاع معین که حد مجاز عرض و ارتفاع وسیله نقلیه ریلی را تعیین می کند.	قواره
loading gauge	حداکثر ابعادی که باید در ساخت یا بارگیری واگنها در نظر گرفت تا خطر برخورد آنها با ابنیه مسیر وجود نداشته باشد.	قواره بارگیری
rerailing frog, humpback, car frog, butterfly frog, wrecking frog, greenback, rerailer	ابزاری هدایت کننده از جنس فولاد سخت یا چدن که چرخهای از خط خارج شده قطار را به روی ریل بازمی گرداند.	قورباغه
superelevation	اختلاف ارتفاع عرضی دو لابه راه در سرپیچها برای حذف نیروی گریز از مرکز	قوس شیب (شهری)
curve marker	تابلوی نمایش ابتدا و انتهای قوس مسیر خط آهن	قوس نما

ک

rail mill	کارخانه تولید ریل	کارخانه ریل
ferry-boat coach	واگن قابل حمل با کشتی	کشتی رو
railhead, head of rail	قسمت بالایی ریل که چرخ های قطار روی آن حرکت می کند.	کلاهک ریل تاج ریل
coupe	هر یک از اتاقکهای واگنهای مسافری قطار که دارای درب و پنجره و صندلی باشد.	کوپه

گ

check-in line	هر یک از خط های محل کنترل بلیت	گذر، گذرگاه
check-in line	خطوط یا محل های کنترل بلیت که ممکن است به وسیله نرده از هم مجزا شوند.	گذرگاه، گذر
exchange hall	تالار عبور و مرور مسافران برای دسترسی به قطارهای در حال تردد در خطوط یا مسیرهای موقت	گذرگاه تعویض
rail lubricator	ابزاری مکانیکی که در برخی از نقاط خط نصب می شود و چرخهای قطار را برای کاهش اصطکاک بین چرخ و ریل روغن کاری می کند.	گریس پاش ریل

ل

wheel flange	قسمت بیرون آمده چرخ که هدایت حرکت قطار را بر روی ریل برعهده دارد.	لبه چرخ
hybrid locomotive	قطار برقی با موتور دیزلی که از دو امکان استفاده از نیروی برق و سوخت فسیلی برخوردار است.	لکوموتیو ترکیبی

م

dynamic track stabilizer	ماشینی که با ایجاد لرزش شدید لایه پارسنگ خط را پایدار می کند و به این ترتیب مدت عملیات پایدار سازی کوتاه می شود.	ماشین پایدار ساز خط، پایدار ساز خط
rail welding machine	ماشین جوش الکتریکی ریل که با گداختن و فشردن دو انتهای ریل آنها را به یکدیگر متصل می کند.	ماشین جوش ریل
ballast regulator	ماشین برای صاف و یکنواخت کردن لایه پارسنگ	ماشین خط آرا، خط آرا
ballast compactor, ballast consolidator	دستگاهی برای کوبیدن و متراکم کردن پارسنگ سست از روی خط	ماشین روکوب
rail-grinding machine, rail grinding train	دستگاهی که با سایش ناهمواری های سطحی تاج ریل، رویه آن را صیقل می دهد.	ماشین ریل ساب، ریل ساب
track-laying machine	جرثقیل دروازه ای ریلی برای نصب ریل بست در خطوط جدید	ماشین ریل گذار

ballast tamper , ballast tamping machine	دستگاهی برای متراکم کردن پارسنگ از زیرریل بند	ماشین زیر کوب
rail detector car, rail flaw detector	واگنی خودکشند که به دستگاههای ویژه ای برای شناسایی عیوب ریل مجهز است.	ماشین عیب یاب ریل
airfoil	سطح مقطعی که برای تولید نیروی برآر بیشتر نسبت به نیروی پسا و کم شدن مصرف سوخت طراحی شده است .	ماهی وار (حمل و نقل هوایی)
track foreman	فردی که نظارت و هدایت فعالیت های اجرایی خط آهن را برعهده دارد .	مباشر خط
dwell time	زمان معین توقف وسیله نقلیه همگانی یا قطار که شامل زمان لازم برای پیاده و سوار کردن مسافر و باز و بسته شدن درب ها و استقرار مسافران در جای خود است .	مدت ایست (شهری)
Route	خط سیر وسیله نقلیه یا مسافر از مبدا تا مقصد	مسیر (شهری)
Double track line	مسیر راه آهنی که در آن رفت و برگشت در دو خط جداگانه امکان پذیر باشد.	مسیر دو خطه
Single track line	مسیر راه آهنی که در آن رفت و برگشت فقط در یک خط صورت گیرد .	مسیر یک خطه
Assistant track foreman, sub-foreman, leadman	شخصی که به رئیس خط ناحیه کمک می کند و در غیاب او وظایفش را نیز انجام می دهد.	معاون خط ناحیه
Hostess	خانمی که پذیرایی و مراقبت از مسافران و مشتریان را به عهده دارد.	مهماندار (گردشگری)
Steward , stewardess	فردی که پذیرایی و مراقبت از مهمانان را در کشتی یا هواپیما بر عهده دارد.	مهماندار (گردشگری)
Damping	فرآیند خاموشی حرکت نوسانی	میرایی (مهندسی)
ق		
Fleet, rolling stock	تعداد وسایل نقلیه در یک سامانه حمل و نقل	ناوگان
Base period fleet	واحدهای حمل و نقل ریلی که برای اجرای برنامه دوره مبنا مورد نیاز هستند.	ناوگان مبنا
Fouling mark, fouling point	نقطه ای بین یک جفت خط آهن همگرا برای نشان دادن احتمال برخورد دو وسیله بعد از نقطه مزبور	نشانه ایمن گاه
track maintenance	فرآیند شناسایی و رفع عیوب خط	نگهداری خط
Half-barrier	راهبندی که فقط نصف عرض راه را در هر طرف تقاطع سواره رو و راه آهن می بندد.	نیم راه بند
و		
Wagon , car , vehicle	وسيله ای برای حمل مسافر یا بار که بر روی ریل حرکت کند.	واگن
test wagon , test vehicle , geometry car , evaluation car	واگنی مجهز به تجهیزات لازم برای اندازه گیری تعدادی از مشخصه های خط و سازه های فنی	واگن آزمون
Ambulance wagon , hospital car , ambulance coach	واگن حمل بیماران و مصدومان	واگن آمبولانس

tilting wagon , tilting coach	نوعی واگن مسافری با فنربندی خاص که تراز نسبی واگن را در پیچ‌ها حفظ می‌کند.	واگن آونگی
saloon coach	واگن مسافری غیرکوپه‌ای که صندلی‌های آن ردیفی چیده شده است.	واگن اتوبوسی
cattle wagon, stock car	نوعی واگن مسقف با دیواره‌های مشبک برای حمل دام	واگن احشام
freight wagon, freight car, goods wagon	واگنی برای حمل بار	واگن باری
steam wagon, heating wagon	واگنی برای تأمین بخار موردنیاز سامانه‌های گرمایشی قطار	واگن بخار
balast wagon, ballast car	واگنی برای حمل و تخلیه و پخش مناسب پارسنگ برروی بستر خط	واگن پارسنگ
crane wagon, derrick car	واگنی که در یک سرآن جرثقیلی برای بارگیری و تخلیه نصب شده باشد.	واگن جرثقیل دار
caboose	واگن انتهایی قطار برای استراحت یا انجام وظیفه مأموران موظف قطار	واگن خدمت
sleeping wagon, sleeping car	واگنی دارای مبلی‌های تخت‌خواب‌شو برای استراحت مسافران	واگن خواب
car-carrier wagon	واگن یک یا چندطبقه با مهاربندی ویژه برای حمل خودرو	واگن خودروبر
hopper wagon, hopper car	واگن باری با کف شیب دار، برای حمل مصالح دانه‌ای که بار آن از کف واگن تخلیه می‌شود.	واگن قیفی
high-floor car	واگنی که کف آن بالاتر از حد معمول است و غالباً یک متر از سطح ریل فاصله دارد.	واگن کف بالا
low-floor car, low-floor wagon, low-floor boarding	واگنی با کف پایین که ارتفاع کف آن از تراز ریل حدود ۳۵ سانتی متر است.	واگن کف پایین
flat wagon, flat car	واگن باری بدون دیوار و سقف با کف مسطح، برای جابه‌جایی بارهای بزرگ	واگن کفی
compartment coach	واگنی که به اتاق‌های متعدد تقسیم شده باشد.	واگن کوپه‌ای
high side wagon	واگنی با کف تخت و دیواره‌های جانبی بلند برای حمل سنگ معدن	واگن لبه بلند
Low side wagon , gondola car	واگنی با دیواره‌های کوتاه و بدون سقف برای حمل بارهای با چگالی بالا	واگن لبه کوتاه
tank wagon , tank car	واگنی با محفظه فلزی برای حمل مایعات و گازها	واگن مخزنی
passenger wagon , passenger car , car	واگنی برای حمل مسافر	واگن مسافری
Covered wagon covered car , box car	واگنی برای حمل بارهای بسته‌بندی شده و قطعات صنعتی فلزات و مواد غذایی	واگن مسقف
articulated wagon articulated coach	واگنی متشکل از چند قسمت که به وسیله مفصل به هم متصل شده باشند.	واگن مفصلی
energy distribution wagon , generator wagon	واگنی با تجهیزات لازم برای تولید و توزیع برق مصرفی قطار	واگن مولد
Refrigerator wagon , reefer	واگنی با دمایی مناسب برای حمل مواد فاسد شدنی و دارویی	واگن یخچال

wagonnet, small wagon, spoit car, hand car	واگن کوچکی ویژه حمل و جابه‌جایی ابزار و مصالح برای تعمیر و نگهداری خطوط	واگنک
fishplate , rail splice , splice bar	صفحه‌ای فولادی برای اتصال دو انتهای ریل در محل درز جوشکاری نشده	وصله ریل
meal	یکی از نوبتهای سه‌گانه غذایی متداول در شبانه‌روز	وعده غذا (گردشگری)